

تاملی بر دلایل و پیامدهای احیای روابط ارمنستان و ترکیه

شهرام کالچی

▼ در عرصه سیاست بین الملل مناقشات فراوانی وجود دارد که مطالعه روند تحولات آن گاهی انسان را به این نتیجه می‌رساند که این مناقشه هرگز به سرانجام مطلوب و حل و فصل نهایی منجر نخواهد شد. مناقشه اعراب و اسرائیل، مناقشه جامو و کشمیر، بحران ناگورنو-قره‌باغ و... از جمله این مناقشات به شمار می‌روند. یکی از بحران‌هایی که در طی دو دهه اخیر علاوه بر تأثیرات داخلی بر طرفین مناقشه، ابعاد منطقه‌ای نیز به خود گرفت، بحران ناگورنو - قره باغ بود که در اثر جنگ خونین و خانمان سوز اوایل دهه ۹۰ میان دو جمهوری تازه به استقلال رسیده آذربایجان و ارمنستان روی داد. صرف‌نظر از دلایل وقوع چنین رویداد تلخی که منجر به از بین رفتن هزاران انسان بی‌گناه ارمنی و آذری و بی‌خانمان شدن هزاران نفر دیگر و تیرگی روابط دو کشور همسایه آذربایجان و ارمنستان گردید، یکی از مهم‌ترین پیامدهای این رویداد قطع روابط دیپلماتیک کشور ترکیه با ارمنستان به دلیل حمایت آنکارا از هم‌قومی‌ها و هم‌زبانان خود در قفقاز بود که این امر به نوبه خود یکی از مهم‌ترین پایه‌های شکل‌گیری و نحوه ترتیبات منطقه قفقاز جنوبی در دو دهه اخیر را رقم زد. در واقع وجود پیوندهای هویتی و قومی بین دو کشور ترک زبان ترکیه و آذربایجان موجب حمایت همه‌جانبه آنکارا از باکو در مقابل سیاست‌های ایران گردید. قطع مناسبات دیپلماتیک، اعمال تحریم‌های اقتصادی و بستن مرزهای دو کشور از جمله اقدامات دولتمردان ترک در طی دو دهه گذشته در قبال ارمنستان بوده است. علاوه بر این اتهام ارمنستان به ترکیه در مورد نسل‌کشی ارمنی به دست امپراطوری عثمانی در سال ۱۹۱۵ و ضرورت پذیرش و عذرخواهی رسمی و همراه با جبران خسارت مادی و معنوی آن از سوی آنکارا یکی دیگر از عوامل تنش میان ترکیه و ارمنستان به شمار می‌رفته است. امری که تاکنون تمامی دولت‌های ترکیه به شدت با آن مخالفت نموده و از پذیرش درخواست ارمنستان خودداری نموده‌اند. تقاضای آنکارا از ایران برای شناسایی رسمی مرز کنونی ترکیه - ارمنستان و چشم‌پوشی ایران از نگرستن به بخش شرقی ترکیه به عنوان ارمنستان غربی نیز از جمله دلایل دیگری بود که موجب گردید علی‌رغم این که ترکیه در زمره نخستین کشورهای بود که در سال ۱۹۹۱ استقلال ارمنستان را به رسمیت شناخت، اما به مدت ۱۷ سال یعنی تا سال ۲۰۰۸

۱- مدل‌های پیشنهادی از طرف هیات عالی رتبه سازمان ملل

در سال ۲۰۰۳ یک هیات ۱۶ نفره از طرف کوفی عنان تحت عنوان « هیات عالی رتبه در خصوص تهدیدات، چالش‌ها و تغییر» به ریاست آناند پانیاچون، نخست‌وزیر سابق تایلند تشکیل شد. در مورد گسترش شورای امنیت، این هیات دو مدل «الف» و «ب» را مطرح ساخت تا اعضاء بر سر یکی از آن‌ها به توافق نهایی برسند. مدل الف ۶ کرسی دائم جدید بدون حق وتو و ۳ کرسی تازه غیردائم دوساله را پیشنهاد می‌کند. بر این اساس ۲ کرسی دائم به آفریقا، ۲ کرسی دائم به آسیا و اقیانوسیه، ۲ کرسی برای اروپا و ۴ کرسی برای آمریکا اعطا می‌شود. در مدل ب شمار اعضای شورای امنیت از ۱۵ عضو به ۲۴ عضو افزایش پیدا می‌کند. در این مدل کرسی دائم جدیدی پیش‌بینی نشده است ولی یک گروه تازه‌ای از ۸ کرسی تجدید نشدنی چهارساله پیشنهاد می‌شود. بر پایه مدل ب توزیع کرسی‌های چهارساله تجدید شدنی به این صورت خواهد بود که به هر حوزه منطقه‌ای یعنی آفریقا، آسیا و اقیانوسیه، اروپا، آمریکا، هر کدام دو کرسی اختصاص می‌یابد.

۲- طرح گروه چهار (Group 4 - G4)

گروه چهار متشکل از کشورهای آلمان، ژاپن، هند و برزیل می‌باشد که با هدف حمایت از یکدیگر برای کسب کرسی دائم در شورای امنیت گردهم آمدند. طرح گروه چهار مبتنی بر افزایش اعضای شورای امنیت از ۱۵ عضو به ۲۵ عضو است. بر اساس این طرح ۶ کرسی دائم و ۴ کرسی غیر دائم جدید به ترتیب زیر در بین گروه‌های منطقه‌ای توزیع می‌شود:

- قاره آفریقا: ۲ کرسی دائم و یک کرسی غیر دائم؛

- قاره آسیا: ۲ کرسی دائم و یک کرسی غیردائم؛

- گروه اروپای غربی و سایرین: یک کرسی دائم و یک کرسی غیردائم؛

- کشورهای آمریکای لاتین و حوزه کارائیب: یک کرسی دائم و یک کرسی

غیردائم

این طرح به دلیل مخالفت پنج عضو دائم با اعطای حق وتو به چهار کشور آلمان، ژاپن، هند و برزیل از یک سو و مخالفت چهار کشور یاد شده با اعطای حق و

تو به سایر گروه‌های منطقه‌ای از جمله آفریقا عملاً راه به جایی نبرده است.

علاوه بر الگوها و طرح‌های پیش گفته، در سال‌های اخیر برنامه‌هایی مانند طرح اتحادیه آفریقا، مدل منطقه‌ای ایتالیا، مدل آبی، مدل سبزی و نیز مدل‌های ارائه شده از طرف مرکز آموزش اصلاحات در سازمان ملل نظیر مدل C و مدل X مطرح شده است که پرداختن به جزئیات آن مجال دیگری را می‌طلبد.

آنچه که در جمع بندی این نوشتار کوتاه می‌توان اشاره نمود این است که با توجه به تغییرات بنیادینی که در عرصه سیاسی، امنیتی و اقتصادی جهان رخ داده است و فضایی بسیار متفاوت از زمان تشکیل سازمان ملل در سال ۱۹۴۵ بر نظام بین‌الملل حکمفرما شده است، تغییر در اصلاح ساختار سازمان ملل به ویژه شورای امنیت با هدف کارآمدتر شدن این نهاد بین‌المللی ضرورتی انکارناپذیر است. اما به دلیل آن که نوع مناسبات حاکم در سازمان ملل به ویژه شورای امنیت بازتابی از ساختار قدرت و چگونگی توزیع قدرت در سطح بین‌المللی است، منافع قدرت‌های بزرگ مانعی اساسی برای تغییر ساختار این نهاد بین‌المللی به شمار می‌رود. بدیهی است تنها در صورت همراهی قدرت‌های بزرگ و درک درست آن‌ها از شرایط بسیار حساس و پیچیده محیط بین‌المللی و انسجام کشورهای در حال توسعه در اتخاذ یک موضع یکپارچه و هماهنگ می‌توان به اصلاح ساختار سازمان ملل به ویژه شورای امنیت در سال‌های آتی امیدوار بود. ▲



از روابط رسمی دیپلماتیک با ارمنستان برخوردار نباشند. اما با وجود چنین موانع و چالش‌هایی در طی دو سال اخیر تحت تاثیر عوامل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تحرکات دیپلماتیک نسبتاً گسترده‌ای از سوی رهبران ارمنستان و ترکیه برای بهبود مناسبات صورت گرفت که در نهایت منجر به برقراری مجدد روابط ایروان - آنکارا گردید و به نوبه خود موجب شکل‌گیری روندهای جدیدی در سطح منطقه شد که در این نوشتار کوشش می‌شود به صورت فشرده به مهم‌ترین دلایل تغییر سیاست رهبران ارمنی و ترک و نیز پیامدهای این اقدام پرداخته شود.

دلایل و اهداف ترکیه و ارمنستان

جمهوری ارمنستان به عنوان یکی از سه کشور منطقه قفقاز جنوبی در نخستین سال‌های استقلال خود درگیر مساله ناگورنو-قره‌باغ و رویارویی نظامی و سیاسی با آذربایجان شد. اما با وجود این چالش، این کشور تلاش نمود تا با گسترش روابط دیپلماتیک خود در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، ضمن کسب جایگاه مناسب‌تر در مناسبات سیاسی، از ظرفیت‌های ایجاد شده به نفع حل و فصل مشکلات خود به ویژه در ناگورنو-قره‌باغ سود جوید. از این رو ایروان با عضویت در سازمان تجارت جهانی، شورای اروپا و نقش آفرینی در همکاری انفرادی با ناتو و سیاست همسایگان جدید اروپایی اتحادیه اروپا و... تلاش نمود اهداف یادشده را تحقق بخشد. اما با وجود چنین کوشش‌هایی، ارمنستان همچنان به عنوان ضعیف‌ترین کشور منطقه قفقاز جنوبی به‌ویژه در بعد اقتصادی به شمار می‌رود که بخش بسیار بزرگی از آن برآیند انزوای اقتصادی این کشور در اثر قطع روابط دیپلماتیک با دو کشور همسایه یعنی آذربایجان و ترکیه است. واقعیت‌های ژئوپلیتیک، ضرورت توازن بخشی به سیاست خارجی و کاستن از میزان وابستگی به ایران و روسیه، ایجاد پویایی بیشتر در تحولات منطقه و در مجموع پایان دادن به انزوای سیاسی و اقتصادی موجب شده است ایروان با جدیت فراوان در پی حل و فصل مشکلات سیاست خارجی خود در منطقه برآید. در تحلیل علت دگرگونی در سیاست خارجی ارمنستان باید نقش سیاستمداران کهنه‌کاری مانند سرژ سرکسیان را در نظر گرفت که دیدگاه‌های واقع‌بینانه‌تری نسبت به روبرت کوچاریان، رئیس‌جمهور پیشین و همفکران

وی دارند. در واقع این دسته از نخبگان سیاسی ارمنستان پس از رسیدن به قدرت با ارزیابی واقع‌بینانه‌تر از خسارات ناشی از انزوای سیاسی و اقتصادی ارمنستان و پیامدهای منفی آن بر منافع ملی این کشور درصدد برآمدند راهکاری عملی و واقع‌بینانه درپیش گیرند که از سرگیری مناسبات دیپلماتیک با ترکیه از مهمترین آن به شمار می‌رود.

از سویی دیگر دکترین سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه که از سوی رجب طیب اردوغان و به ویژه رئیس‌پیشین گروه مشاوران و وزیر امور خارجه کنونی، احمد داوود اوغلو (مشهور به هنری کیسینجر ترکیه) هدایت می‌شود، در صدد است مشکلات پیرامونی ترکیه مانند چالش‌های آنکارا با یونان، قبرس و ارمنستان را حل و فصل نموده و جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی ترکیه را ارتقاء بخشد. این دکترین با ریشه داشتن در نوعی اسلام سیاسی نسبتاً متعادل و البته متفاوت با نوع اسلام سیاسی در سایر کشور های خاورمیانه، باعث کاستن از گرایش‌های تندپان‌ترکیستی و قوم‌محور در جهت‌گیری سیاست خارجی ترکیه شده است. از این رو است که به موازات تغییراتی در مدیریت سیاسی داخلی مانند راه اندازی شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی به زبان کردی و ارمنی برای نخستین بار در طول تاریخ ترکیه نوین، تحولاتی در حوزه سیاست خارجی نیز به وقوع پیوست که نمونه‌هایی از آن را در نوع مناسبات با اسرائیل، قبرس و نشانگانی از بهبود مناسبات با ارمنستان شاهد هستیم. بر بستر چنین تحولاتی، آنکارا و ایروان برای خروج از بن‌بست ۱۷ ساله مذاکرات دوجانبه‌ای را برای نخستین بار در آگوست ۲۰۰۷ در ژنو آغاز نمودند. در این مذاکرات دیپلمات‌های دو کشور بر سر جزئیات برقراری روابط مبتنی بر حسن‌همجواری به توافق اولیه دست یافتند. در پی همین توافقات

در سپتامبر ۲۰۰۸ عبدالله گل، رئیس‌جمهور ترکیه در یک سفر تاریخی، برای تماشای مسابقه فوتبال تیم‌های ملی دو کشور به ایروان مسافرت نمود. بازدید عبدالله گل از ایروان نخستین سفر یک مقام بلندپایه ترک، از زمان استقلال ارمنستان به شمار می‌رفت. در واقع تلاش‌های ایروان و آنکارا برای برقراری روابط در قالب دیپلماسی فوتبال شباهت فراوانی به دیپلماسی پینگ‌پنگ هنری کیسینجر برای برقراری روابط میان چین و ایالات متحده در دهه ۱۹۶۰ داشت. بعد از تبادل چندین گروه کارشناسی و رایزنی‌های دیپلماتیک در سطوح میانی دو کشور، در ژانویه ۲۰۰۹ سرژ سرکسیان، رئیس‌جمهور ارمنستان و رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه در حاشیه اجلاس مجمع جهانی اقتصاد داووس در زوریخ سوییس با یکدیگر ملاقات نمودند و این دیدارها در سطوح مختلف همچنان ادامه دارد.

نگرانی‌های آذربایجان

طرح‌های ترکیه برای بهبود مناسبات با ارمنستان موجب بروز نگرانی‌های فراوان در محافل رسمی و غیر رسمی آذربایجان شده است. مهمترین پرسش پیش روی آذربایجان این است که آیا بهبود مناسبات آنکارا - ایروان به معنی گسستن ترکیه از موضوع قره‌باغ است؟ استنباط بیشتر صاحب‌نظران و سیاستمداران در باکو این است که آنکارا در حقیقت در حال انجام چنین کاری است. در واقع در حالی که خطمشی جدید ترکیه در ایروان با استقبال رو به رو شد، باکو با نگرانی آن را پیگیری می‌کند که البته دلایلی هم برای نگرانی آذربایجان وجود دارد. از جمله اقدامات آذربایجان برای ابراز مخالفت و ناخرسندی از تصمیم آنکارا را می‌توان به مخالفت حزب حاکم آذربایجان نوین و نیز احزاب مخالف دولت مانند جبهه خلق، مام میهن، عدالت و امید و... در هشدار به آنکارا در



تایید حادثه ۱۹۱۵ به عنوان نسل-کشی در کنگره و یا بیانیه‌های کاخ سفید شود. به نظر می‌رسد اوباما با موضع‌گیری دو پهلو در قبال مساله کشتار ارمنه قصد دارد آنکارا را برای پیشبرد اهداف واشنگتن در منطقه تحت فشار قرار دهد. از این رو است که شاهد هستیم در مسافرت ماه آوریل به ترکیه، اوباما این گونه اظهارنظر نمود که از نظر او موضوع

قتل عام همچنان پابرجا است، اما از آنجایی که ترکیه و ارمنستان مشغول گفت و گو درباره روابط دوجانبه هستند، بهتر است به این کشورها فرصت داده شود که درباره این موضوع بحث کنند.

پیامدهای بهبود مناسبات آنکارا - ایروان

از منظر منافع ترکیه، بهبود روابط با ارمنستان به لحاظ سیاسی و اقتصادی به نفع ترک‌ها تمام خواهد شد. از لحاظ سیاسی ترکیه پس از نزدیک به دو دهه خواهد توانست بر یکی از مهمترین چالشهای خود در مناطق پیرامونی و نیز خارج شدن از فشار لابی ارمنه در آمریکا و اروپا فایز آید. این امر در صورت تحقق کامل موجب افزایش اعتبار منطقه ای و بین المللی ترکیه، فراهم شدن زمینه بیشتر برای نفوذ ترکیه در معادلات سیاسی و امنیتی قفقاز جنوبی، رها ساختن ارمنستان از وابستگی سنتی به ایران و روسیه و اتصال آن به منافع ملی ترکیه و نیز پیشگیری از صدور و یا تصویب قطعنامه‌ها در واشنگتن و یا پایتخت های اروپایی در قبال مساله قتل عام ارمنه و به همین ترتیب برداشتن گام دیگری در مسیر معیارهای اتحادیه اروپا و تحقق رویای ۴۰ ساله ترک‌ها خواهد بود.

در بعد اقتصادی نیز باز شدن مرزهای ترکیه با ارمنستان موجب رونق تجارت و جریان تبادل سرمایه بین دو کشور خواهد شد که این امر به ویژه در توسعه بخش شرقی ترکیه که همواره از عدم تعادل با بخش پیشرفته غربی در رنج بوده است، بسیار موثر خواهد بود. بدیهی است که تحقق این امر مستلزم پرداختن هزینه‌هایی از سوی دولتمردان کنونی ترکیه به ویژه حزب عدالت و توسعه خواهد بود که از جمله آنها تقویت تحركات احزاب مخالف و راست گرای ترک و نیز سردی روابط با آذربایجان خواهد بود. اما به نظر می‌رسد رهبران کنونی ترکیه با محاسبه فایده و زیان برقراری مناسبات با ارمنستان وارد این

زبان، تهدید آذربایجان به کاهش صادرات گاز به ترکیه، بیانیه مجلس ملی آذربایجان در انتقاد از سیاست آنکارا و تلقی نمودن این اقدام به عنوان حمایت از سیاست اشغال گرایانه ارمنستان و از همه مهمتر شرکت نکردن الهام علی‌اف، رئیس جمهور آذربایجان در اجلاس گفتگوی تمدن‌ها در استانبول دانست. نگرانی آذربایجان از معامله میان قدرت‌های بزرگ است. در آذربایجان این اعتقاد وجود دارد که ترکیه دیگر همان ترکیه دوران سلیمان دمیرل یا تانسو چیلر نیست. تحولات جهانی، سیاست خارجی ترکیه را تغییر داده و آنکارا با جدی تر شدن در بهبود روابط با ارمنستان، عملا آذربایجان را منزوی کرده است. اگر چه تلاش دارد این مساله را با سفرهای دیپلماتیک سرپوش گذاشته و تحلیل‌های خوش بینانه در آذربایجان را سبب گردد.

نقش ایالات متحده در بهبود مناسبات ایروان - آنکارا

ایالات متحده با توجه به تاثیرگذاری لابی قدرتمند ارمنه در ساختار سیاسی این کشور از یک سو و هم پیمانی با ترکیه در چارچوب ناتو از سوی دیگر، به عنوان یکی از مهمترین بازیگران موثر بر روند تحولات روابط ترکیه و ارمنستان به شمار می‌رود. به طور سنتی هر ساله در روز ۲۴ آوریل (سال روز قتل عام ارمنه به دست ترک‌های عثمانی)، روسای جمهور آمریکا اعلامیه - ای را در باره حادثه سال ۱۹۱۵ و کشتار ارمنه صادر می‌کنند. اما تاکنون هیچ کدام از روسای جمهور آمریکا از لغت نسل کشی ای ژنوساید در بیانیه‌های خود استفاده نکرده‌اند. در سال ۲۰۰۷ نیز کاخ سفید از تصویب قطعنامه ای در مجلس نمایندگان آمریکا مبنی بر شناسایی نسل کشی ارمنه جلوگیری نمود.

اما در یک تغییر آشکار باراک اوباما در زمان مبارزات انتخاباتی، اعلام نمود که در صورت انتخاب شدن، قتل عام ارمنیان توسط ترک‌ها را به عنوان نسل کشی (ژنوساید) به رسمیت خواهد شناخت. یکی از راه‌های پیش روی آنکارا برای تغییر نظر واشنگتن، تجدید روابط با ارمنستان است. در واقع مشخص است که شناسایی رسمی نسل کشی از سوی واشنگتن، امکان برقراری روابط بین ترکیه و ارمنستان را در سطح داخلی ترکیه غیر ممکن می‌سازد. ترکیه در تلاش است با گشودن مرزهای خود با ارمنستان در یک چانه زنی سیاسی مانع از تصویب طرح‌های مبتنی بر

بازی شده اند و تمام کوشش خود را معطوف به این امر ساخته‌اند که با پرداخت کمترین هزینه داخلی و منطقه‌ای سیاست‌های کلان خود را به پیش برند.

از منظر منافع جهان غرب یعنی اروپا و ایالات متحده، بهبود مناسبات ایروان - آنکارا به معنی تنگ‌تر شدن فضای تحرک روسیه و ایران در منطقه قفقاز به‌ویژه در زمینه انتقال انرژی با ایجاد بستر مناسب برای دو پروژه حیاتی باکو - تفلیس - جبهان و نابوکو خواهد بود. برای ایالات متحده، بهبود مناسبات ترکیه و ارمنستان می‌تواند بستر مناسب را برای نفوذ بیشتر این کشور در معادلات قفقاز فراهم نماید. در بعد سیاسی و امنیتی نزدیکی ارمنستان به ترکیه و کاهش نگرانی‌های امنیتی این کشور می‌تواند به تدریج توازن قدرت سنتی در منطقه را که بین ارمنستان، روسیه و ایران از یک سو و آذربایجان، ترکیه، گرجستان و ایالات متحده از سوی دیگر را دچار تغییر نموده و شکل جدیدی به آن ببخشد. از دید واشنگتن به هر میزان که ارمنستان در صحنه معادلات منطقه فعال‌تر و میزان وابستگی‌اش به ایران و روسیه کاسته شود، این کشور مسیحی و برخوردار از تشابهات فراوان فرهنگی و تمدنی با جهان غرب و برخوردار از موقعیت استراتژیک را می‌توان بیشتر به غرب نزدیک نمود که نخستین گام این سیاست را واشنگتن با اعمال فشار بر آنکارا برای بهبود مناسبات با ایروان و گشودن مرزها آغاز نموده است تا در گام‌های بعدی بتواند ارمنستان را هر چه بیشتر وارد معادلات سیاسی و امنیتی جهان غرب نماید. در بعد اقتصادی نیز بهبود روابط ارمنستان و ترکیه این مزیت را در پی خواهد داشت که خط لوله نابوکو را که با هدف دور زدن ایران و روسیه طراحی شده است با طی مسافتی به مراتب کوتاه‌تر از طریق ارمنستان عبور دهد. ▲